

## بررسی چالش های فرهنگی رایج در سبک زندگی شهرنشینان

پرنیا رضی پور<sup>۱</sup>

### چکیده

فرهنگ یکی از عناصر مهم اجتماعی و شهری است به طوری که همه عناصر شهری به طور مستقیم و غیر مستقیم از فرهنگ متأثر می شوند. از طرفی توسعه شهرنشینی علاوه بر فواید آن چالش های فرهنگی بسیاری را با خود به همراه دارد که شناخت این چالش ها راهی مناسب در جهت رفع نقایص و بهبود ساختارهای شهری محسوب می شود. در این راستا پژوهش حاضر تلاش می کند از منظر جامعه شناختی به بررسی چالش های موجود در فرهنگ شهری بپردازد. روش تحقیق این پژوهش به صورت اسنادی و اطلاعات آن از طریق فیش برداری گردآوری شده است. در این مقاله مولفه هایی چون: تغییر در سبک مصرف، فرهنگ مصرف گرایی، ناهمخوانی فضای شهر با فرهنگ بومی، تاخر فرهنگی شهرنشینان، بیگانگی و انزوا در شهر، تراکم جمعیت شهرها و بروز فرهنگ نامتجانس، ظهور طبقات جدید، کم رنگ شدن فرهنگ دینی و مسئله بی هویتی شهرنشینان به عنوان چالش های فرهنگی موجود در فضا شهری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این پژوهش نشان می دهد: بررسی چالش های فرهنگی شهرنشینان و اصلاح آن موجب بالا رفتن کیفیت زندگی در فضای شهری خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** چالش فرهنگی، شهرنشینی، فرهنگ بومی، بی هویتی.

مقدمه

بحث در مورد فرهنگ و عناصر فرهنگی یکی از مباحث مهم و اساسی در دنیای امروزی است چرا که انسان امروزی به واسطه فرهنگ، خویش را با عناصر جامعه مدرن و محیط اطرافش سازگار می‌سازد؛ در واقع فرهنگ به مجموعه کوشش‌های انسان برای سازگاری با محیط خود و اصلاح طرز زندگی اشاره می‌کند (کونیک، ۱۳۴۶: ۸۵) و یا به تعبیر دیگر: از مجموعه‌ای دانش‌ها، ارزش‌ها، باورها، مهارت‌ها و فنونی که بین افراد یک جامعه مشترک و از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شود؛ نشأت می‌گیرد. در واقع اینگونه می‌توان اذعان نمود: فرهنگ شامل آن چیزی است که جامعه می‌آفریند و به انسان‌ها و او می‌گذارد (اگبرن و نیم کوف، ۱۳۵۷: ۱۳۳).

با آن‌چه که در تعریف فوق گفته شد، نوعی رابطه دیالکتیکی میان فرهنگ و جامعه می‌توان یافت چرا که فرهنگ در زایش و ایجاد و تبلور اجتماع دخیل است و اجتماع نیز در بطن خویش موجب ساختن فرهنگ می‌گردد؛ به طوری که ممکن نیست فرهنگ را جدایی از جامعه یا جامعه جدا از فرهنگ تصور نمود (کوئن، ۱۳۹۰: ۵۶). نقش مهم فرهنگ در ایجاد ارزش‌های مشترک و اتحاد جامعه بسیار حایز اهمیت است چرا که به مثابه یک نیروی پیونددهنده قوی عمل می‌کند و نگرشها، باورها و سنتهای مشترک از طریق انتقال، انباشت و اشاعه فرهنگی به هم پیوند می‌دهد (قنادان و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۳).

از طرفی دیگر شرایط اجتماعی و جغرافیایی و اقتصادی نیز در ایجاد و شکل‌گیری فرهنگ دخیل هستند. بدین معنا که هر فرهنگی در درونش عناصری همچون ارزش‌ها، آداب رسوم و موازین اخلاقی و اجتماعی خاص دارا است و این موجب تفاوت فرهنگ‌ها بر حسب عوامل محیطی و اجتماعی و جغرافیایی است. لذا از هر جامعه‌ای انتظار می‌رود از یک سو با توجه به چرخه تطور اجتماعی و محیطی و اعتقادی فرهنگ متناسب خود را داشته و از سوی دیگر همگام با زمان و فرآیند جهانی شدن تغییرات را بپذیرد و زمینه تحول را پدید آورد. به طور کلی فرهنگ مرتبط و همگام با عناصر جامعه شکل می‌گیرد، فرهنگ پویا توان مقابله با چالش‌های جدید را دارد و از آن نمی‌هراسد و در صورت نیاز به وام گرفتن از فرهنگ‌های دیگر با آغوشی باز آن‌چه را که در این زمینه لازم است می‌گیرد و سپس بومی می‌کند و به غنای حیطة خود می‌پردازد. در مقابل فرهنگ ایستا و منفعل با انسداد و عدم تعادل از درون متلاشی می‌شود. در واقع فرهنگ برای تداوم حیات خود نیازمند حرکت و پویایی است و ایستایی باعث مرگ فرهنگ خواهد شد. پژوهش حاضر با بررسی جامعه‌شناختی عناصر فرهنگ شهری در صدد آن است چالش‌ها و آسیب‌های موجود در این فضا را شناخته و به سوالات ذیل پاسخ دهد:

چه چالش‌های فرهنگی زندگی شهرنشینان را تهدید می‌کند؟ این چالش‌ها چه تغییری در سبک زندگی شهرنشینان پدید می‌آورد؟

### شهرنشینی و تغییر در سبک مصرف

ورود تکنولوژی تغییرات بنیادی در شیوه زندگی و فرهنگ انسان امروزی پدید آورده است چرا که با توسعه شهرنشینی و به موازات افزایش اهمیت مباحث تمایز و هویت یابی، سبک زندگی بیش از گذشته اهمیت یافته است. انسان امروزی با به کارگیری سبک زندگی در صدد آن است تا منزلت اجتماعی خود را به دیگران نشان دهد کاری که در جوامع کوچک لازم نبود (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۶۹). چرا که در گذشته ارتباط رو در رو و تغییر سبک و روش زندگی با روندی کند و خفیفی همراه بود اما امروزه با توجه به تکنولوژی جوامع بشری به سرعت چشمگیری در حال تغییر و تحول در سبک زندگی هستند (مهدوی کنی، ۱۳۸۷). سبکی شدن زندگی با شکل گیری فرهنگ عامیانه رابطه نزدیکی دارد (خادمیان، ۱۳۹۰: ۲۵) در واقع موجب عملکردی است که هر فرد بر می گزیند تا روایتی خاص از زندگی و هویتش را برای دیگران بیان کند (ازکیا، ۱۳۸۲). در واقع پیامد مدرنیته و شهرگرایی موجب ظهور سبک های بی شمار و روایت های متفاوت از زندگی شده است چرا که در فضای شهری فرهنگ سرمایه داری، مصرف و منفعت طلبی چیره شده و موجب تغییر سبک زندگی جامعه می شود.

### گسترش فرهنگ مصرف گرایی در شهر

به عقیده زیمل، گسترش شهرهای بزرگ موجب گسترش مصرف گرایی، رواج مد گرایی و گریز از محدودیت و اسارت های عصر صنعتی شده است که زمینه انتخاب سبک های خاص را پدید آورده است. از نظر او با آزاد شدن انسان از قید و بند جامعه سنتی، فردیت بروز می یابد اما همان فرد آزاد در معرض فشار ساختاری جامعه جدید است. در واقع شیوه خاص از مصرف کردن با هدف دنبال کردن نمادهای منزلتی، راهی است که افراد از طریق آن می توانند فشار زندگی مدرن را تحمل کنند. پیروی از مد نیز یکی از نشانه های شهرگرایی است (خادمیان، ۱۳۹۰: ۶۵)

زیمل<sup>۱</sup> در ادامه می گوید: پذیرش مد، ابزاری است که افراد از طریق آن می خواهند به هویت شخصی خویش شکل بدهند. او جهان مدرن را عصر (عصبی) ارزیابی می کند که در آن بر خلاف گذشته، عرصه انتخاب برای مصرف بسیار وسیع است و این تنوع و تکثر گونه ها به افراد امکان تمایز می دهد (کیویستو، ۱۳۷۸: ۱۷۹). او عقیده دارد الگوهای مدرن مصرف، تا حدی ناشی از زیستن در کلان شهرها، شهرها و حومه هاست؛ در نظر او زندگی در این محیط ها انسان جدیدی پرورش می دهد که نگران خودمختاری و فردیت وجود خویش در تقابل با نیروهای برتر اجتماعی هستند. نیاز به اجتناب از فرو کاسته شدن و فرسوده شدن توسط سازکار تکنولوژیک اجتماعی کلان شهر از این روست. در مجموع زیمل بر این باور است که روند زندگی در شهر، آگاهی به مد را افزایش می دهد؛ بدین معنا که نیاز به انتخاب مواد مصرفی از میان مجموعه که هم متمایز کننده یک گروه اجتماعی

1. simmel, 1950

خاص و هم بیان ترجیحات فرداست. شخص در شهرهای بزرگ مصرف می کند تا برای خود هویتی را بسازد که دوست دارد. اگرچه شهرگرایی به نوبه خود یک آسیب و معضل اجتماعی به شمار نمی رود ولی به تعبیر زیمل منجر به مصرف گرایی، مد گرایی و انزوا طلبی گشته که منجر به چالش های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی می گردد.

### ناهمخوانی فضای شهر با فرهنگ بومی

لوئیس مامفورد عقیده دارد که شهر همانند صحنه نمایش است؛ نمایش عمل جمعی، کنش اجتماعی و همه چیز همچون هنر، سیاست، تعلیم و تربیت و تجارت تنها در خدمت این امرند که درام اجتماعی با غنای بشری اهمیت خود را نشان دهد؛ درست به همان سان که صحنه آرایی و طراحی با شکوه، ژست ها و حرکات و اعمال هنرپیشگان صحنه های یک نمایشنامه را جالب تر و باشکوتر می سازد (پیران، ۱۳۸۰ : ۱۰) در عقیده مامفورد شهر منکس کننده روح انسان هاست و ایجاد شهرهای بهتر امری است که به غنای تمدن انسانی می افزاید. چرا که عناصر مادی و کالبدی فضای شهری بیانگر نمادها و بار معنایی خاص است که از طریق آن شهروندان با اطراف خود ارتباط برقرار می کنند اما اینکه نمادها چگونه حس و روابط روانی و اجتماعی را در فرد تقویت می کنند؛ بستگی به شکل و فرم فضایی دارد که در درون توسعه شهری به وجود می آید به عنوان نمونه: ساخت و ساز بی رویه شهری حکایت از آشفتگی، پریشانی روانی همراه با فقدان تعلق اجتماعی شهرنشینان دارد. طرح توسعه شهری در کشور ما بدون توجه مدیران شهری و برنامه ریزان به ابعاد روانی، ذهنی، فرهنگی و دینی به اجرا در می آید و شهرنشینان سنتی را به زندگی ظاهری مدرن دعوت می کند. باید به این نکته توجه نمود که زندگی در شهرها به معنای سکونت در محیط امن و سر پناه نیست، بلکه در کنار سرپناه به معنای احساس تعلق و احساس لذت و عجین شدن با فرهنگ می تواند، باشد. از آن جا که انسان در تمام عرصه های حیات و زندگی و از جمله محیط زندگی و حتی در روابط و فضایی شهری معناکاو است؛ اگر معناهای اصیل که متعلق به تاریخ و فرهنگ و فطرت خویش را در فضای زندگی و شهری خویش مشاهده نکند؛ دچار یاس، نا امیدی و دلسردی می گردد(غراب : ۱۳۸۰) متأسفانه یکی از چالش های فرهنگی در فضای شهری ایران ناهمخوانی شکل و ساختار فضای شهری با فرهنگ و تمدن ایرانی است. احداث ساختمان ها و برج های بلند بدون توجه به سنن و آداب رسوم ایرانی فضای شهری را خالی از روح و نشاط کرده است. در واقع عدم یکسان سازی ظاهری ساختمان ها و فقدان طرح مدون برنامه ریزی شهری و سلیقه ای برخورد کردن مسئولان از یک سو موجب تضعیف ارزشهای اصیل اجتماعی گشته و از سوی دیگر موجب شده چهره شهر نازیبا به نظر برسد که نتیجه آن؛ یاس و دلسردی اجتماعی است.

## تاخر فرهنگی شهرنشینان

هر فرهنگ را می توان به عناصر مادی و غیرمادی تقسیم نمود. در واقع هر گاه دگرگونی تنها در حوزه مادی فرهنگ رخ دهد ولی در عنصر غیر مادی آن اتفاق نیفتد تاخر فرهنگی متجلی می گردد (کوئن، ۱۳۹۰: ۶۵) در چند دهه اخیر با وجود رشد روز افزون تکنولوژی و رشد شهرنشینی و علاقه وافر به شهراگرایی موجب ایجاد تغییرات سریع و شتاب آلود برخی از عناصر فرهنگی گشته در حالی که برخی دیگر از عناصر فرهنگی از رشد متناسب برخوردار نشدن یا دچار عقب ماندگی گشته اند که موجب تاخر فرهنگی اجتماعی و یا گسست فرهنگی شده است. مسئله مهم مهاجرت مواجه شدن یکباره افراد با امکانات و فناوری ها موجب تغییر ناگهانی افراد در حوزه مادی فرهنگ است حال آنکه هنجارها، ارزشها، باورهای جدید شکل نگرفته موجب تاخر فرهنگی در محیط شهری می گردد که مسئله چالش های عمیق فرهنگی را موجب می شود. در واقع آنچه انتظار می رود این است به تناسب ورود هر فناوری، هنجارهای مورد پذیرش آن فناوری نیز آموزش داده شود، چرا که استفاده آگاهانه از تکنولوژی مدرن تبعات کمتری را در پی خواهد داشت. متأسفانه در جامعه ما نوآوری های جدید بدون زمینه سازی فرهنگی وارد می گردد که عدم آگاهی نسبت به تاثیرات اجتماعی آن منجر به آسیب ها و معضلاتی شده است.

## بیگانگی<sup>۱</sup> و انزوا در شهر

از خود بیگانگی، مقوله ای روان شناختی و جامعه شناختی است که به عنوان نوعی بیماری روانی معنای مختلفی دارد: از نظر روان شناختی: به معنای جنون و دیوانگی است؛ از بعد جامعه شناختی: به معنای از هم گسیختن پیوند میان فرد با دیگران و نیز مترادف با بیزاری در احساس و دور افتادگی یا جدایی فرد از دیگر، افراد، کار است (ستوده، ۱۳۸۱: ۲۴۱). به تعبیر لوئیس آلفرد کوزر یعنی زمانی که انسان ها تحت چیرگی نیروهای خود آفریده شان قرار می گیرند (کوزر، ۱۳۷۲: ۸۴). متغیرهای از خود بیگانگی عبارتند از:

- احساس بی قدرتی و ناتوانی: در این حالت فرد احساس بی قدرتی و بی اختیاری کرده و قادر به تحت تاثیر قرار دادن محیط اجتماعی خود نیست.

- احساس پوچی و بیهودگی: در این حالت فرد در باورها و عقاید خود دچار ابهام شده و نمی داند به چیزی اعتقاد داشته باشد.

- احساس بی هنجاری و بی معیاری: حالتی از خودبیگانگی است که فرد احساس می کند برای رسیدن به اهداف ارزنده خود به وسایل نامشروع نیاز دارد یا کنش های که او را به حوزه هدف نزدیک می کند مورد تایید جامعه نیست.

1. Alination

2. Normlessness

-انزوا و جامعه‌گریزی<sup>۱</sup>: فردی که از جامعه می‌گریزد، اعتقادی به شیوه کارکردی جامعه ندارند و چون نمی‌تواند این روابط و هدف را نفی کند، با گوشه‌نشینی خود را از گزند دیگران به حاشیه می‌کشاند و کناره‌گیری می‌کند.

عناصر خود بیگانگی در کشورهای در حال گذار از جمله کشور ما به صورت بی‌اعتقادی عمومی، عدم اعتماد و اطمینان در روابط اجتماعی، یاس اجتماعی گشته است. انزوای حاکم در شهرها، به ویژه در کلان‌شهرها ناشی از رفتارهای منحرفانه و غریبی در شهر هاست چراکه مشکلات اقتصادی و مالی سبب شده افراد زمان بیشتری را به کار اختصاص دهند و حتی به کارهایی گمارده شوند که هیچ علاقه‌ای به آن‌ها ندارند که این امر در نهایت منجر به تأثیرات فرهنگی از قبیل عدم احساس شهروندی و از خود بیگانگی می‌گردد.

### تراکم جمعیت شهرها و فرهنگ نامتجانس

از منظر جامعه‌شناسی شهری تراکم جمعیت ناشی از تمایل افراد زیاد به سکونت در منطقه خاصی است که این امر ممکن است از وجود امکانات رفاهی و بهداشتی، آموزشی یا موقعیت جغرافیایی خاص در منطقه‌ای از شهر باشد. به عقیده ورث بیشتر تماس‌ها بین ساکنان شهر زودگذر و جزئی بوده و بیشتر برای هدف‌های دیگر است تا این که به خودی خود رضایت بخش باشند. به دلیل تحرک اجتماعی زیاد ساکنین شهر، پیوندها نسبتاً ضعیف‌تر بین آن‌ها وجود دارد. آهنگ زندگی و سرعت تغییرات بسیار سریع‌تر از نواحی روستایی است و حس رقابت و منفعت‌طلبی در افراد بیشتر است (گیدنز، ۱۳۸۷: ۶۰۹). تراکم زیاد جمعیت در شهرها چالش‌های فرهنگی و اجتماعی زاینباری به همراه دارد مانند معضلات ترافیکی، مشکل مسکن افزایش بیماری، مشکلات زیست‌محیطی و مسئله دفن زباله ... به همراه دارد (قنادان: ۱۳۸۸). علاوه بر آن تجمع زیاد و فرآیند مهاجرپذیری و سکونت اقوام، طایفه‌ها، گروه‌های مختلف موجب خرده‌فرهنگ‌های متفاوت در درون فرهنگ مادر (مسلط) می‌شود و گاهی در تناقض و تضاد با فرهنگ مسلط است که این امر منجر به ایجاد فرهنگ نامتجانس و ناهماهنگ می‌گردد. در واقع به هر میزان که از همگنی فرهنگ مسلط کاسته شود یگانگی و دوام جامعه نیز کاسته می‌شود که می‌تواند زمینه‌ساز بروز اختلافات طایفه‌ای و قومی گردد.

### ظهور طبقات جدید در شهر

گروه‌ها بر حسب منزلت و حیثیت اجتماعی، نوع شغل و شیوه رفتاری که دارند خود را از بقیه جامعه متمایز می‌سازند. از منظر آسیب‌شناسی این جداسازی منزلتی موجب شکاف اجتماعی و زمینه‌ساز تبعیض اجتماعی می‌گردد؛ بدین سان که موجب فراهم آوردن محله‌های مجزا و قسمت بندی شهر به نواحی گوناگون می‌شود. در واقع این قشربندی در فضای شهری و جداسازی محله‌ها

منجر به شکل گیری گروه ها و دسته های مختلف و لایه لایه شدن فضای شهری می شود. به طوری که در حاشیه شهرها حلبی آبادها و زاغه ها شکل گرفته که طبقات جرم خیز و خطرناک<sup>۱</sup> در این محله ها تراکم بیشتری دارند.

از سوی دیگر طبقات مرفه، بهترین مناطق شهر را جهت اسکان انتخاب می کنند که فرهنگ و سبک زندگی بسیار متفاوتی با طبقات دیگر جامعه دارند. وبلن در کتاب «نظریه تن آسا»<sup>۲</sup> به توصیف و تحلیل این طبقه در شهر می پردازد که در کنار بخش مولد زیست می کند نه در داخل آن. طبقه تن آسا نه فقط جمعیت تحت سلطه خود را مورد بهره کشی قرار می دهد، بلکه با کنترل قیمت ها در جهت منافع خود به جریان رشد فنون صنعتی و پیشرفت امر تولید آسیب زده و به توسعه تکاملی بشر زبان می رساند. او در شرح فرهنگ «طبقه تن آسا» اصطلاحی مطرح نمود به نام مصرف خودنمایانه (وبلن، ۱۳۸۳: ۷۷). افراد این طبقه برای این که در میدان مبارزه ارزش خود را بالاتر نشان دهند پیوسته در حال تظاهری (یعنی تباه کردن آشکار کالاهای گرانبها) آسایش تظاهری (نمایش قدرت و ثروت خود) و خودنمایی تظاهری هستند. الگوی مصرف طبقه تن آسا بر اتلاف بنا شده است، بدین معنا که این کنش های مصرف نه تنها موجب افزایش مصرف کننده نمی گردد، بلکه موجب اتلاف کار، زمان و کالا خواهد شد (وبلن، ۱۳۸۳: ۸۳) از نظر او همان طور که فراغت خودنمایانه در اجتماعات کوچک نشان تشخیص و برتری بود، در جامعه مدرن این مصرف خودنمایانه است که در خدمت بخشی به جایگاه فرد است (کوزر، ۱۳۸۲: ۳۶۵). جانرا اقتصاددان کانادایی معتقد است: که فرد می خواهد با خرید کالاهای لوکس و تجملاتی چیزهایی را داشته باشد که دیگران نمی توانند آن را داشته باشند و از طریق نمایش و تظاهر به داشتن آن کالا برتری خود را به دیگران اثبات کنند و این منجر به شکاف اجتماعی و اقتصادی و از میان رفتن انسجام اجتماعی می گردد (moson,2005).

دو مفهوم «فراغت نیابتی» و «مصرف نیابتی» مباحث دیگری است که وبلن مطرح کرده است. او با بیان اینکه در سیستم های بسیار پیچیده سلسه مراتبی اجتماعی، چون اروپا قرون وسطی، افراد سطوح پایین تر با انتصاب خود به افراد سطوح بالاتر به عنوان ندیم، ملازم یا دیگر مناصب، در واقع جانشین آنها در استفاده از ثروت و زمان فراغت می گردند. در دنیای امروز نیز ثروت افراد به وسیله مصرف بی پایان همسران و فرزندانشان به نمایش گذاشته می شود (lambert,2005). او عقیده دارد که در طبقه مرفه جدید، نوعا زنان هستند که زندگی اجتماعی را سازماندهی می کنند آنها ابزارهایی هستند برای مردان تا از مصرف نیابتی ثروت خود را به نمایش بگذارند یعنی از طریق کالاهایی مانند زیور آلات یا لباس گران قیمت و یا اعمال مسافرت (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۲). بدین ترتیب بورژوازی

۱. طبقات خطرناک مانند ولگردها، افراد دربدر ها، مجرمان و بزهاران تقسیم نمود (مارشال، ۱۳۸۸: ۲۵۵).

جدید می کوشد با نمایش ثروت، جدایی خود را از طبقه کارگر مشروعیت بخشد و سلسله مراتبی اجتماعی را طبیعی جلوه دهد بدین ترتیب اقتدار خود را بر کسانی که در سلسله مراتب پایین هستند افزایش دهند. وبلن با تاکید بر کارکرد نمایشی مصرف آن را راهکاری برای کسب منزلت اجتماعی می داند. در واقع یکی از آسیب های در جامعه ایران تبلور یافته است دیگر مصرف نه از سر نیاز بلکه به شکل تظاهری و خودنمایانه است طبقه نوکیسگانی است با ماشین های خاص و لباس های برندهای گران قیمت در جهت نشان دادن خود است. در واقع تازه به دوران رسیده ها یا نوکیسه های شهری به افرادی که بدون پیشخوانه صحیح و یا زحمت متناسب به مال و مقامی برسند این صفت به کار می رود. آن ها در شرایط نابسامانی اقتصادی یا اجتماعی و با استفاده از موقعیت سیاسی و یا خویشاوندی خویش به دنبال ثروت، موقعیت و امتیازی هستند که شایستگی آن را ندارند (بابایی، ۱۳۹۴).

همان طور که وبلن عقیده داشت پیامد ظهور نوکیسگان در جامعه مصرف تظاهری است از آنجا که که این افراد در موقعیتی قرار گرفته اند که شایسته آن نیستند؛ بنابراین از نمادهای منزلتی، رفتاری و فرهنگی آن موقعیت به صورت تظاهری استفاده می کنند البته با توجه به رواج فضای مجازی و شبکه اجتماعی نوکیسگان های مجازی ( شاخ های مجازی) نیز به وجود آمده است که در صد نمایش کالاهای مصرفی و لوکس و مجلل خود در جهت فخر فروشی هستند که منجر به رواج مصرف گرایی شده است.

#### کم رنگ شدن فرهنگ دینی در شهرها و مسئله بی هویتی

دین مجموعه ای از اعتقادات، نمادها و مناسکی است که بر پایه امر مقدس و قدیسی قرار دارد (مارشال، ۱۳۸۸: ۱۰۰۰) در جوامع روستایی دین مهم ترین عامل انسجام اجتماعی میان افراد و گروه هاست که منجر به ترویج وجدان جمعی و کاهش بسیاری از جرایم و تحمل بسیاری از مشکلات و معضلات خصوصی و اجتماعی است، در واقع با شهری شدن اجتماع و سرعت گرفتن تکنولوژی، عقل گرایی صوری و ماشین باوری؛ منجر به کم رنگ شدن فرهنگ دینی و اعتقادی در فضای شهری شده و رشد فزاینده بزهکاری و جرایم و میزان خودکشی افزایش چشمگیری داشته است. بدین معنا که ترویج اعتقادات مذهبی با شیوه های جدید و کارآمد در فضای شهری می تواند انسان امروزی را که در حیطه فریبده عقل گرایی و از منجلا بی هویتی و نا امید برهاند .

#### نتیجه گیری

فرهنگ نقش حایز اهمیتی در مباحث اجتماعی خصوصاً در مباحث شهری ایفا می کند به گونه ای که روحی بر کالبد فضای شهری محسوب می شود. از طرفی نقش انسجام دهندگی فرهنگ بسیار موثر است چرا که فرهنگ همچون سیمان اجتماعی برای اتحاد افراد و جامعه به شمار می رود. در این مقاله مولفه هایی چون:ت غییر در سبک مصرف، فرهنگ مصرف گرایی، ناهمخوانی فضای شهر



با فرهنگ بومی، تاخر فرهنگی شهرنشینان، بیگانگی و انزوا در شهر، تراکم جمعیت شهرها و بروز فرهنگ نامتجانس، ظهور طبقات جدید، کم رنگ شدن فرهنگ دینی و مسئله بی هویتی شهرنشینان به عنوان چالش های فرهنگی موجود در فضای شهری مورد بررسی قرار گرفت. در پژوهش حاضر نشان داده شد که تراکم فزاینده شهرها موجب مشکلات و مصایب اجتماعی از جمله مسائل اقتصادی و خصوصاً چالش های فرهنگی مختلف شده است. چرا توسعه فزاینده شهرنشینی و پیشرفت تکنولوژی موجب تغییر در سبک زندگی ساکنان شهر گشته که پیامد آن پدیده مصرف گرایی است. از منظر دیگر چالش مهم دیگری که فضای شهری ایران با آن دست به گریبان است ناهمخوانی و ناسازگاری شکل و ساختار فضای شهری با فرهنگ اجتماعی و بومی است. در واقع نداشتن برنامه مدون و عدم برنامه ریزی شهری موجب شده که ظاهر شهرها خالی از هرگونه معنا کاوی هویتی باشد. تاخر فرهنگی شهرنشینان و پیشی گرفتن تکنولوژی نیز یکی از چالش هایی است که آسیب های اجتماعی بی شماری را پرورانده است. به طور کلی این گونه می توان نتیجه گرفت که بررسی چالش های فرهنگی شهرنشینان و اصلاح آن موجب بالا رفتن کیفیت زندگی در فضای شهری خواهد شد.



منابع

- ≠ آگبرن، ویلیام فیلدینگ و نیم کوف، مایرفرانسیس. (۱۳۵۷). زمینه جامعه شناسی، مترجم امیرحسین آریانپور: تهران.
- ≠ بابایی، مینا. (۱۳۹۴). «نوکیسگی؛ پیامد اختلال منزلتی». جامعه پویا ۱، شماره ۱.
- ≠ پیران، پرویز. (۱۳۸۰). فرهنگ شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸.
- ≠ خادمیان، طلیعه. (۱۳۹۰). سبک زندگی و مصرف فرهنگی. تهران: موسسه فرهنگی - هنری جهان کتاب. چاپ دوم.
- ≠ ستوده، هدایت الله. (۱۳۸۱). روان شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ ششم، ۱۳۸۱.
- ≠ قنادان، منصور؛ مطیع، ناهید، ستوده، هدایت الله. (۱۳۹۲). جامعه شناسی مفاهیم کلیدی. تهران: انتشارات آوای نور.
- ≠ کونیک، سامویل. (۱۳۸۱). جامعه شناسی، ترجمه مشفق همدانی، تهران: انتشارات فرهنگ.
- ≠ کوئن، بروس. (۱۳۹۰). مبانی جامعه شناسی، اقتباس غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
- ≠ گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- ≠ مهدوی کنی، محمدحسین. (۱۳۸۷). مفهوم سبک زندگی و گستردگی آن در علوم اجتماعی، فصل نامه تحقیقات فرهنگی سال اول: شماره ۱.
- ≠ مارشال، گوردن. (۱۳۸۸). فرهنگ جامعه شناسی، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: نشر میزان.
- ≠ غراب، ناصر الدین (۱۳۸۰) تاثیرات محیط شهری در از خود بیگانگی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸.
- ≠ lambert, paul(2005)leisyrely moments or life times?contexts the study of leisure
- ≠ Mason, Roger."John Rae(2005): conspicuous consumption" in Hamouda, O.F. Lee, C. and Mair, D. The economics of John Rae, London and New York, Routledge, pp95-107.